

جهانی شدن و ضرورت آموزش‌های شهروندی جهانی

یوسف کشاورز¹

تاریخ دریافت: 1390/8/28 تاریخ پذیرش: 1390/11/25

چکیده

امروزه به واسطه‌ی «جهانی شدن»، سرنوشت تمامی افراد، سازمان‌ها و حکومت‌ها بیش از پیش به یکدیگر گره خورده و تأثیرات این فرایند بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری، غیرقابل‌انکار گردیده است. در ادامه و به دنبال طرح مفهوم «شهروندی جهانی» انتظارات جدیدی از آموزش و پرورش به عنوان عامل معنابخش به زندگی افراد و ابزاری برای پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، شکل گرفته است. این مقاله با هدف بررسی خصوصیات و مؤلفه‌های شهروندی جهانی، نقش، اهمیت و ضرورت آموزش‌های شهروند جهانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

اگر بپذیریم که استفاده‌ی کنونی از منابع موجود در جهان، غیرمنصفانه و غیرقابل‌قبول است و شکاف فقیر و غنی (از همه‌ی جنبه‌ها) وسیع و وسیع‌تر می‌شود، باید چاره‌ای اندیشید. آموزش و تربیت شهروند جهانی (به‌ویژه کودکان و جوانان) به عنوان فردی که خواهان تبدیل شدن جهان به مکانی سرشار از عدالت، برابری، صلح و توسعه‌ی پایدار، احترام و پاسداشت تنوع و گوناگونی نژادی، مذهبی و ... می‌باشد و همچنین دارای خصوصیات دیگری است که در این مقاله به آن پرداخته شده، راه‌حل و ابزاری قدرتمند به نظر می‌رسد. در این چارچوب، فقر و بحران هویت جوان ایرانی و از طرفی جذب شدن به فرهنگ جهانی - سازی بیگانگان، دو نکته‌ای است که ضرورت توجه به آموزش‌های شهروند جهانی به منظور اتخاذ نگاه وسیع و کلان‌تر به مسائل جهانی را نمایان می‌سازد. بنابراین با توجه به متون ارزشمند اسلامی و جایگاه والای ترسیم‌شده برای انسان و ارزش‌های انسانی و همچنین با توجه به فرهنگ و تمدن غنی ایرانی و در راستای ایفای نقش فعالانه در مدیریت مشترک جهانی، فراگرفتن این قبیل آموزش‌ها در نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و همچنین تاسیس مرکزی تحت همین عنوان با همکاری سایر نهادهای آموزشی در کشور پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهروند جهانی، آموزش شهروندی جهانی

مقدمه

اهمیت عملکرد آموزش و پرورش تا بدان‌جاست که روسو آن را «کشتی نجات‌دهندی بشر اجتماعی» و کانت آن را «ابزاری برای انسان نمودن انسان» می‌داند. همچنین آن را عاملی معنابخش به زندگی همه‌ی افراد جامعه می‌داند. به طور کلی، هدف از

¹ - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و پژوهشگر مرکز ملی مطالعات جهانی شدن

تشکیل نظام آموزشی در سراسر دنیا را می‌توان در دو هدف کلی پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، خلاصه نمود (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، 1385).

بدیهی است که کشورهای مختلف جهان با توجه به ماهیت و زیرساخت‌های حکومتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی، تصویری خاص از انسان و جامعه‌ی مطلوب، در نظر داشته باشند. روشن است که رسیدن به تصویر پیش روی جوامع، تنها از طریق نظام آموزشی و تربیتی امکان‌پذیر است. چنانچه اندیشمندان گذشته نظیر افلاطون، بنیاد مدینه‌ی فاضله‌ی ترسیم‌ی را بر پایه‌ی تربیت قرار داده است و در دوران معاصر نیز، دیویی همبستگی دقیقی بین تربیت و دموکراسی برقرار می‌کند و تنها دموکراسی‌هایی را پایدار می‌داند که از سر آگاهی باشد.

اگرچه تصویری که هر یک از کشورها از «تربیت» به دست می‌دهند، وابسته به ماهیت و زیرساخت‌های آن‌هاست، ولی مهم‌ترین عنصری که بدون آن دستیابی به اهداف امکان‌پذیر نمی‌نماید، انسان‌هایی‌اند که به هدایت و راهبری جوامع می‌پردازند. از این‌رو در هسته‌ی مرکزی تصویر کلان از نظام تربیتی، انسان‌ها قرار دارند. بنابراین همزمان با ارائه‌ی تصویر از نظام تربیتی، تصویر شهروند مطلوب نیز ساخته می‌شود (آلتریکتر و البوت، 2000؛ به نقل از قائدی، 1385).

از سویی دیگر، امروزه با پدیده‌ای به نام «جهانی شدن» مواجه هستیم که به گفته‌ی رابرتسون، بر «در هم فشردن شدن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان» دلالت دارد (رابرتسون، 1380: 35) و به گفته‌ی واترز «فرایندی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند» (واترز، 12:1379). بنابراین ما شاهد هستیم که از نگاه‌ها و از ابعاد مختلف (البته بیشتر از دیدگاه اقتصادی و وابستگی اقتصاد و تجارت جهانی) به موضوع جهانی شدن پرداخته می‌شود؛ هم نگاه بدبینانه و هم نگاه خوش‌بینانه و فرصت-طلبانه، هم نگاه به جهانی شدن به عنوان یک پروسه و هم به عنوان یک پروژه (جهانی‌سازی) و ... جدای از همه‌ی این مباحث که در جای خود مهم و قابل بحث می‌باشد، به نظر می‌رسد که سرنوشت همه‌ی انسان‌های ساکن در کره‌ی زمین بیش از پیش به هم گره خورده است و متأثر از یکدیگر شده است و به عبارتی همه عضو از این جامعه‌ی جهانی و به عنوان یک «شهروند جهانی» محسوب می‌شوند.

در این مقاله نخست به طرح مسئله پرداخته می‌شود و در ادامه، ضمن اشاره‌ای مختصر به تاریخچه و تعریف جهانی شدن و جمع‌بندی این مبحث، مفهوم شهروند جهانی و آموزش شهروندی جهانی، نقش، اهمیت، ضرورت و مولفه‌های آن طرح و بررسی خواهد شد و بر این اساس در نهایت، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

بیان مسئله

جهانی شدن برای انسان امروزی، به صورت یک واقعیت غیرقابل‌انکار درآمده است و به دنبال آن، مفهوم «شهروند جهانی» طرح گردیده که متعاقب آن، آموزش مباحث جهانی و آموزش‌های شهروندی جهانی، هم در بین مباحث درسی و آموزش رسمی کشورها و هم در آموزش‌های غیررسمی مطرح شده است.

در دنیای به سرعت در حال تغییر و وابسته شدن، آموزش می‌تواند و باید به جوانان برای رویارویی با چالش‌های آتی و پیش روی کمک کند، چرا که زندگی کودکان و جوانان به‌شدت به‌وسیله‌ی آنچه در دیگر بخش‌های جهان رخ می‌دهد، تغییر شکل یافته است و آموزش و پرورش برای شهروندان جهانی باید به آنان دانش، فهم، مهارت و ارزش‌هایی را که برای مشارکت کامل در تضمین رفاه خود و دیگران و ایجاد مشارکت سازنده هم در سطح محلی و جهانی لازم است، بدهد (آکسفام) و به گفته‌ی دکتر

بانک²، استاد سیستم های آموزشی در دانشگاه ایندیانا «اکنون هر فرد می تواند در هر زمانی هر چیزی را از هرکسی دیگر یاد بگیرد». در این حالت، جامعه‌ی جهانی اکنون با وظیفه‌ی آماده‌سازی جوانان برای مواجهه با چالش‌های جهان در حال دگرگونی، روبه‌روست (بانک، 2009).

همان‌طور که سجادی بیان می‌کند، اشکال جدید بی‌سوادی، عدم مهارت در به‌کارگیری به‌روز توانایی‌های اساسی، توان پایین ادراکی در بین جوانان، عدم آمادگی آشکار برای ورود به بازار کار، عدم توان پاسخگویی به نیازها و نبودن پتانسیل یکپارچه شدن نظام‌های آموزشی، تحصیلات ناموزون با نیازهای بازار و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و ... از جمله مواردی هستند که ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت را نمایان می‌سازد و تغییرات اساسی در اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت را اثبات می‌کند (سجادی، 1382).

لذا مسئله‌ی اصلی که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد، عبارت است از این که: آموزش شهروند جهانی چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی باید داشته باشد و نقش، اهمیت و ضرورت و جایگاه آن در نظام آموزشی ایران و دیگر کشورها چیست؟

مفهوم و تاریخچه جهانی شدن

هر چند امروزه به مدد پیشرفت فن‌آوری و تکنولوژی‌های ارتباطی از قبیل ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، فهم جهانی شدن آسان‌تر شده است و هم‌روزه در اخبار و رسانه‌ها از اوضاع جهان و تأثیر و تأثر متقابل اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطلع می‌شویم، با وجود این شاید مفهوم جهانی شدن و تعریف آن به این سادگی نبوده است و تعریفی جامع از آن توسط صاحب‌نظران ارائه نشده است.

واژه‌ی جهانی شدن (Globalization) از دهه‌ی 1990 به عنوان موضوع روز مطرح شده و به گفته‌ی بعضی از صاحب‌نظران از جمله مالکوم واترز برگرفته از واژه‌ی Global است که قدمتی چهارصد ساله دارد (واترز، 10:1379). عموماً جهانی شدن را به سه دوره تقسیم می‌کنند:

1- از قرن 16 تا پایان جنگ دوم جهانی در سال 1945، با مشخصات افزایش جمعیت اروپا، اختراعات گسترده، انقلاب صنعتی، تجاوز نظامی و رواج کارگری؛

2- از سال 1945 تا فروپاشی بلوک شرق در سال 1989 که دوران شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی بوده؛

3- از سال 1989 تاکنون، پیروزی غرب در جنگ سرد و تثبیت نظام تک‌قطبی آمریکا (شکوری، 1389).

به نظر واترز، جهانی شدن فرایندی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، 12:1379).

به نظر مارتین آلبرو «جهانی شدن، به هم‌ی جریان‌اتی اطلاق می‌شود که با آن همه‌ی مردم جهان در یک جامعه‌ی جهانی در حال تعامل هستند». به نظر آنتونی گیدنز: «جهانی شدن یعنی عمیق شدن روابط اجتماعی در سطح وسیع به‌طوری که فاصله‌ها نامحسوس شوند و بتوان علت وقوع یک حادثه در یک محل را در منطقه‌ای کاملاً مجزا و دور، جستجو کرد». به نظر یان آرت شولت: «جهانی شدن، روندی است که در آن روابط اجتماعی دارای ماهیت بدون مرز و فاصله می‌شوند. بنابراین همه‌ی انسان‌ها، در یک جهان در حال تعامل هستند» (شکوری، 1389).

². Curtis J. Bonk

رابطه‌ی بین تعریف جهانی شدن عنوان می‌کند: جهانی شدن به در هم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان دلالت دارد (رابطه‌ی بین، 35:1380).

بنابراین می‌توانیم جهانی شدن را به عنوان فرایندی در نظر بگیریم که در آن سرنوشت انسان‌ها در ابعاد گوناگون وابسته به یکدیگر گردیده و محدودیت‌ها و مرزهای جغرافیایی و ارتباطی از میان برداشته شده و به تعبیری کوچک شدن جهان و به تعبیری دیگر، بزرگ‌تر شدن انسان را به دنبال داشته و درغایت و نهایت آن، جامعه و نظام واحد جهانی است. در منابع اسلامی شکل‌گیری نظام واحد جهانی بشارت داده شده است و در همین راستا، اعتقاد به مهدویت نیز گواه بر این تفکر و نگاه می‌باشد.

ابعاد جهانی شدن

بیشتر، جهانی شدن را در چهار حوزه فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی می‌کنند:

- 1- **در حوزه فنی و تکنولوژیک:** سخن از انقلاب صنعتی سوم است. انقلاب صنعتی نخست در سده‌ی هجدهم، دگرگونی در حوزه فن‌آوری تولید بود. انقلاب صنعتی دوم در نیمه دوم سده نوزدهم بود و منجر به دگرگونی در حوزه‌ی بازرگانی و پیوستاری شد و اکنون در پایان سده بیستم، انقلاب صنعتی سوم، حوزه‌های ارتباط، مصرف و اطلاعات را کاملاً دگرگون کرده است. فن‌آوری ماهواره‌ای و رسانه‌های الکترونیکی باعث پدیدار شدن حوزه‌ی همگانی فراگیری در سطح جهانی شده است که آن را دهکده‌ی جهانی الکترونیکی نامیده‌اند.
- 2- **حوزه اقتصادی:** در این حوزه، با فراموش شدن اقتصاد کنزی، کنترل دولت بر اقتصاد ملی روزبه‌روز بی‌معناتر می‌شود. در حوزه اقتصاد، شرکت‌هایی به نام شرکت‌های چندملیتی ظهور کردند که دیگر وابسته به یک دولت نیستند و از چند ملیت درست شده‌اند. البته امروزه شرکت‌های چندملیتی هم تا اندازه‌ای از رونق افتاده‌اند و شرکت‌های «فراملیتی» در حال شکل‌گیری هستند و بخش بزرگی از اقتصاد جهانی در دست این شرکت‌ها است.
- 3- **از دید سیاسی:** با پیدایش و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، دگرگونی‌های شگرفی در حوزه‌ی توانمندی و حاکمیت دولت‌های ملی و سامانه‌ی بین‌المللی رخ داده است. از سویی دیگر، گسترش حقوق بین‌المللی، مرزهایی برای آزادی عمل دیرینه‌ی دولت‌ها در پهنه‌ی بین‌المللی ایجاد می‌کند.
- 4- **در گستره‌ی فرهنگی:** باید از پیدایش جامعه‌ی مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی، جزئی از این جامعه هستند. برخی از نویسندگان، از پیدایش پیوندهای فراملی³ در برابر مفهوم پیوندهای فراملی⁴ سخن گفته‌اند. جامعه‌ی مدنی بین‌المللی به عنوان شبکه‌ای که آماج و آرمان‌هایش رمز نمی‌شناسد، از پدیده‌های اصلی پیوندهای فراملی هستند (نش، 10:1380).

مفهوم شهروند جهانی

³. transnational relations

⁴. international relations

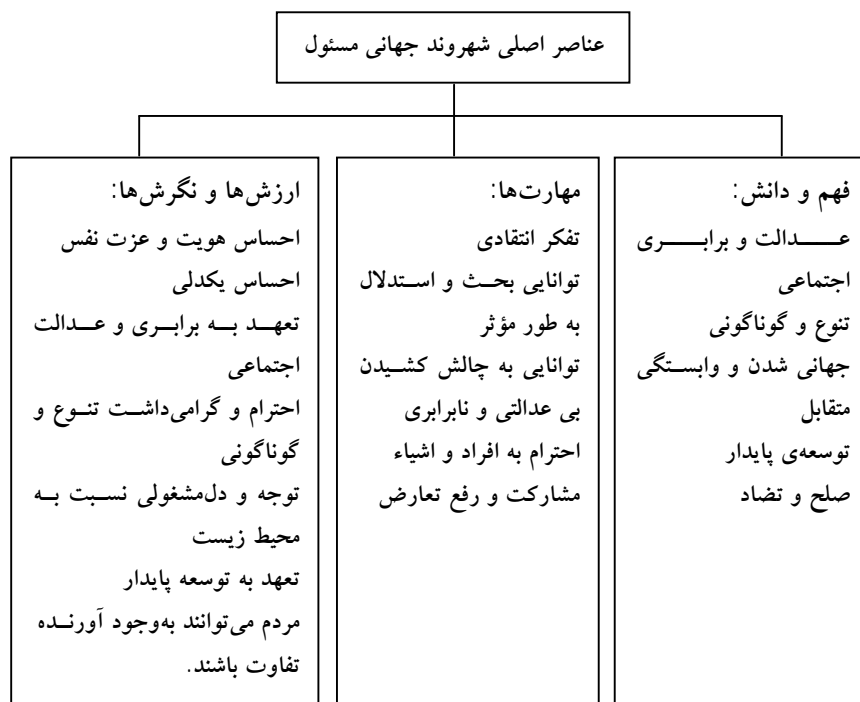
آکسفام، کنفدراسیون بین‌المللی متشکل از 15 سازمان که در 98 کشور جهان با همکاری شرکا و متحدین خود در سراسر جهان، برای پیدا کردن راه حل های پایدار برای فقر و بی‌عدالتی فعالیت می‌کنند⁵، ویژگی‌های شهروند جهانی را چنین برمی‌شمارد و ابراز می‌کند که فردی را شهروند جهانی می‌داند که:

- نسبت به جهان وسیع تر آگاه است و دارای حس ایفای نقش به عنوان یک شهروند جهانی می‌باشد.
- به تفاوت و گوناگونی‌ها احترام می‌گذارد.
- دارای فهم است نسبت به این‌که جهان از لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و زیست‌محیطی چگونه عمل می‌کند.

- از بی‌عدالتی اجتماعی منزجر و خشمگین شده است.
- در طیف وسیعی از سطوح محلی تا جهانی، مشارکت و فعالیت می‌کند.
- خواهان اقدام برای تبدیل شدن جهان به مکانی پایدارتر است.
- مسئولیت اعمال خود را به عهده می‌گیرد. (وب سایت اینترنتی آکسفام)

به عبارتی این کنفدراسیون، عناصر اصلی شهروند جهانی مسئول را در سه طبقه‌ی کلی دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها مطابق با نمودار زیر بیان می‌کند:

⁵. <http://www.oxfam.org/en/about>



نمودار شماره ۱: عناصر اصلی شهروند جهانی

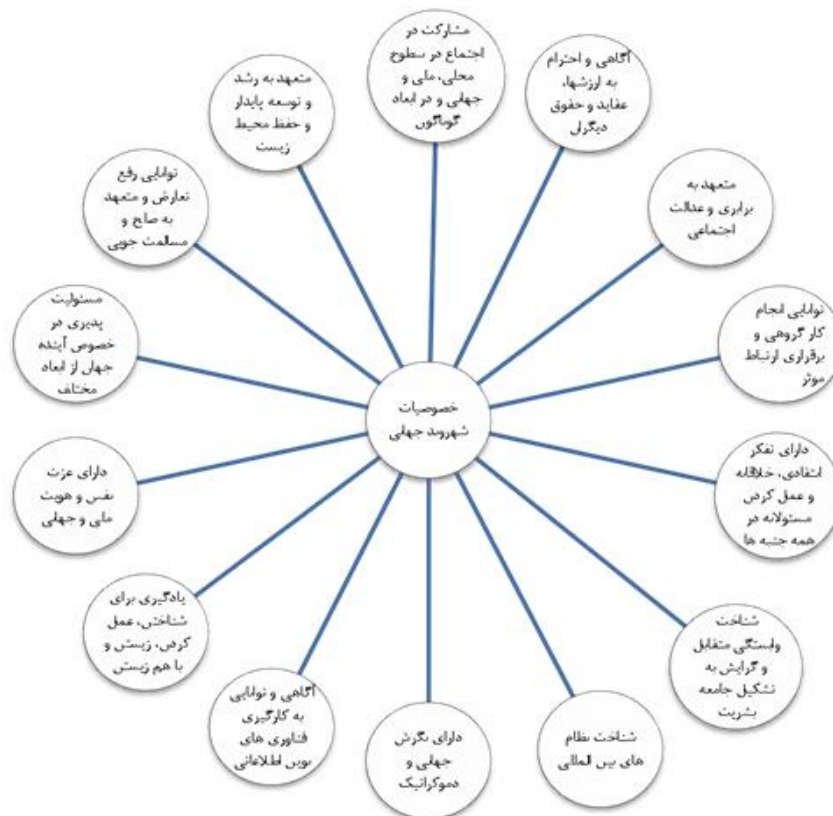
خصوصیات شهروند جهانی

قائدی (1385) سه قالب کلی برای خصوصیات شهروند آینده را بدین صورت برشمرد:

- دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن
- دانش، مهارت و نگرش دموکراتیک
- توانایی در کاربرد فن‌آوری اطلاعات

او همچنین بیان می‌کند که این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده و اثر متقابل و چندجانبه دارند. فن‌آوری اطلاعات باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملت‌ها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده‌اند و به نحوه‌ی عمل دموکراتیک در درون خود می‌اندیشیده‌اند، امروز به اقدام دموکراتیک در سطح جهانی و بین ملت‌ها بیندیشند. فن‌آوری اطلاعات باعث شده است تا مردم جهان در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به یکدیگر وابسته گردند و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است. در نهایت می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه و عمل دموکراتیک، فن‌آوری اطلاعات است. در واقع گذر از یاد دادن به یادگیری، یکی از خصوصیات مهم و دو جانبه‌ی شهروند آینده است و می‌توان گفت شهروند آینده یا هزاره‌ی سوم باید چشم‌اندازی سازگارتر با آینده را در خود پرورش دهد، بتواند شقوق مختلف آینده را تصور کند، دارای مهارت‌های فکری انتقادی و تصمیم‌سازی خلاقانه باشد و بتواند به عنوان یک شهروند فعال در جامعه‌ی جهانی مشارکت کند (قائدی، 1385).

به صورت کلی و به عنوان جمع‌بندی، می‌توان خصوصیات شهروند جهانی را در نمودار زیر، خلاصه کرد:



نمودار شماره 2: خصوصیات شهروند جهانی

ضرورت و نقش آموزش شهروندی جهانی در قرن 21

اگر بپذیریم که استفاده‌ی کنونی از منابع موجود در جهان، غیرمنصفانه و غیرقابل قبول است و شکاف میان فقیر و غنی وسیع و وسیع‌تر می‌شود، راه حل و ابزار قدرتمندی که برای تغییر جهان به نظر می‌رسد، آموزش است؛ آموزش برای همه و به‌ویژه برای کودکان و جوانانی که بزرگسالان و تصمیم‌گیران و به تعبیری آینده‌سازان فردا هستند، مخصوصاً آموزش برای شهروندی جهانی، که کودکان و جوانان را به مراقبت از سیاره‌ای که بر روی آن زندگی می‌کنیم و گسترش همدلی با کسانی که در آن سهیم هستیم، تشویق و ترغیب می‌کند.

آموزش برای شهروندی جهانی، کودکان و جوانان را در استفاده از طیف گسترده‌تری از روش‌های یادگیری فعالانه و مشارکتی، درگیر می‌کند و این امر به نوبه‌ی خود، یادگیرنده را به ایجاد و پرورش اعتمادبه‌نفس و عزت نفس، مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی، و نیز مشارکت و حل تعارض که باعث بهبود انگیزه، رفتار و پیشرفت می‌شود، تشویق می‌کند (برگرفته از پایگاه اینترنتی آکسفام).

همان‌طور که شکوری بیان می‌کند، نقش آموزش در گسترش ظرفیت‌های جهانی را باید در سه حوزه‌ی توانمندی، توسعه و فهم و یا به عبارتی در قلمروهای بینشی، مهارتی و معرفتی و اصلاحات مربوطه به عنوان انطباق با شرایط نوین، در نظر گرفت (شکوری، 1389). بدین ترتیب باید برای ایجاد و افزایش و اصلاح شناخت و نگرش و مهارت‌های شهروندان نسبت به مسائل جهانی اقدام کرد تا بتوان آنان را به عنوان شهروندان جهانی (با خصوصیات و ویژگی‌هایی که برای آن گفته شد) تربیت نمود.

آموزش شهروندی جهانی و برنامه درسی کشورها

هرچند آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد و این مؤلفه ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است، با وجود این باید توجه داشت که نظام آموزش و پرورش در عین اتکاء بر باورها و ارزش‌های جامعه باید در حفظ ارتباطات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی و تغییر الگوی روابط بین‌المللی از طریق شکل‌دهی چارچوب‌های ذهنی متناسب با دنیای پر کنش و واکنش امروز گام بردارد و آموزش شهروندی به دانش‌آموزان با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر را در درون محتوای درسی دانش‌آموزان قرار دهد.

کوبورن از جمله مؤلفه‌های ده‌گانه‌ای که برای نظام جدید آموزشی، دانش، تعلیم و تربیت و یادگیری برمی‌شمارد، به استفاده از گروه‌های مجازی در سراسر جهان و شکستن مرزهای زمانی و فضایی که به نوعی به ضرورت بعد جهانی آموزش و آموزش شهروندی اشاره دارد، می‌پردازد (کوبورن، 2003). هندریکس چهار مؤلفه‌ی ساختار آموزش را که به اعتقاد او باید برگرفته از واقعیت‌های تاریخی و کنونی باشد، برمی‌شمارد: 1- بررسی ارزش‌های جهانی و انسانی از قبیل حقوق انسانی، ارزش‌ها، عزت انسانی و ارزشمندی وجود انسان‌ها، 2- بررسی نظام‌های جهانی، 3- بررسی مسائل و مشکلات جهانی از قبیل صلح و امنیت، مسائل رو به رشد، مسائل محیطی و حقوق انسانی و نهایتاً: 4- بررسی تاریخ جهانی (هندریکس، 1998).

امروزه نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان در اشکال و ابعاد گوناگون به آموزش و تربیت شهروندی و شهروند جهانی توجه دارند. برای مثال در نظام آموزش و پرورش کشور انگلستان، همان‌طور که گروه مشاوره‌ی شهروندی در این کشور پیشنهاد داده، زمان اختصاص داده‌شده در برنامه‌ی درسی مدارس متوسطه، مؤثرترین راه برای آموزش شهروندی است تا با ارائه‌ی برنامه درسی ثابت، جوانان را به صورت شهروندانی فعال درآورند. در این کشور، به هر حال DFES (وزارت آموزش و مهارت‌ها) نگرشی روشن به آموزش شهروندی دارد که به مدارس، اختیار لازم را در ارائه‌ی مدل‌های مختلف آموزش شهروندی داده است (آندریوز و مایکوک، 2007).

همچنین کشور سنگاپور به خاطر مسائل مربوط به چندفرهنگی بودن، از طریق برنامه‌ی درسی ملی برای مدارس متوسطه و به‌ویژه از طریق کاربرد مطالعات موردی بین‌المللی، همزمان ایجاد اجتماعی ملی و متحد و داشتن نگاه جهانی را دنبال می‌کند. به بیانی دیگر، در جهانی که از سویی مصمم به تقویت هویت متمایز ملی و گروهی است و از سویی دیگر در حال جهانی شدن و متکی و وابسته شدن به یکدیگر است، سیستم آموزشی سنگاپور این اهداف مختلف را از طریق برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی ملی خود برای مدارس متوسطه با تمرکز بر موضوعات جهانی دنبال می‌کند و در این کشور تأکید آموزش شهروندی بر اساس و تکیه بر موضوعات جهانی و تربیت شهروند جهانی است (چینگ هو، 2009).

سازمان آموزش و پرورش اسکاتلند نیز با لحاظ کردن آموزش‌های شهروند جهانی در برنامه‌ی درسی مدارس این کشور، اصول شهروند جهانی در برنامه‌ی درسی را چنین برمی‌شمارد:

- دانستن، مراقبت و احترام به حقوق، مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و عقاید دیگران در اسکاتلند در و فهم نقش اسکاتلند درون جهان وسیع‌تر؛
- توسعه‌ی آگاهی و فهم اشتغال در فرایندهای دموکراتیک جهت کسب توانایی مشارکت در تفکر خلاق و تصمیم‌گیری در مدارس و جوامع در سطح محلی، ملی و جهانی؛

- فهم و درک وابستگی متقابل بین افراد، محیط زیست و تأثیر اقدامات در سطح محلی و همچنین در سطح جهانی؛
- قدردانی و بزرگداشت تنوع تاریخ، فرهنگ و میراث اسکاتلند و تعامل با دیگر سنت‌ها و فرهنگ‌های سراسر جهان؛
- تفکر خلاقانه و منتقدانه و همچنین عمل کردن مسئولانه در همه‌ی جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (برگرفته از وبسایت آموزش و پرورش اسکاتلند).

در کشور ایران هم در زمینه‌ی آموزش‌های شهروندی، محتوای درسی در نظام آموزش و پرورش بیشتر بر تربیت شهروند ملی و با هدف تقویت انسجام ملی تأکید دارد. همان‌طور که هاشمی (1388) در تحقیق خود نشان می‌دهد، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه در ایران حاکی از آن است که مؤلفین کتاب‌های درسی با تأکید بر تشابهاتی مانند «زبان فارسی» به عنوان زبان ملی، «مسلمان» و «مذهب شیعه» بیشتر در جهت انتقال پیام انسجام ملی بوده‌اند و نسبت به تکرر ذاتی درون‌فرهنگی کشورمان کم‌تر توجه نشان داده‌اند و جهت‌گیری اصلی کتاب‌های درسی در ارتباط با آموزش صلح، بر حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور، شناسایی دشمن، آشنا ساختن یادگیرندگان با سیاست‌های استعماری کشورهای قدرتمند غربی، عدم توازن قدرت و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در سطح بین‌المللی و مقابله با فتنه و تهاجم دشمنان می‌باشد (هاشمی، 1388). بنابراین همان‌طور که می‌بینیم، جای طرح مباحث و موضوعات جهانی به‌ویژه مباحث مرتبط با تربیت شهروند جهانی در نظام آموزشی کشورمان خالی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که فتحی و اجارگاه و واحد چوکده اشاره می‌کنند، آموزش‌های شهروندی به‌صورت کلی، تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد و تعهد دوجانبه میان فرد و حکومت را به‌وجود می‌آورد؛ بدین‌سان که از یک سو موجب مشارکت آگاهانه‌ی فرد در فعل و انفعالات جامعه و از سوی دیگر، موجبات احترام و ایفای حقوق فردی توسط حکومت را فراهم می‌کند (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، 1385، ص 95). این آموزش‌ها همچنین ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها را برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، رشد و پرورش می‌دهد (لطف‌آبادی، 1385).

همان‌طور که می‌بینیم، به‌واسطه‌ی جهانی شدن، انتظارات جدیدی به‌ویژه از آموزش و پرورش رسمی و همچنین از آموزش و پرورش غیررسمی و خارج از مدرسه شکل گرفته است و امروزه به‌واسطه‌ی سرعت و شتاب تغییرات در حوزه‌های مختلف و وابسته شدن سرنوشت افراد، سازمان‌ها و حکومت‌ها به یکدیگر، ضروری به نظر می‌رسد که آموزش‌های شهروندی جهانی نیز در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش جای گیرد و ساختار، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت، متناسب با تغییرات بازننگری شود و در کنار نگاه‌های مختلف به پدیده‌ی جهانی شدن، نظام آموزش و پرورش با پذیرش جهانی شدن به عنوان یک واقعیت، جدای از تفاسیر و بهره‌برداری‌های مختلف، از آن روشن‌بینانه به ایجاد و عمق‌بخشیدن به نگرش مورد پذیرش خود و همچنین به ایجاد و ارتقای آگاهی‌ها، مهارت‌ها و توانمندی در مورد نظام ارزشی خود متناسب با جامعه‌ی جهانی و اوضاع آن پردازد.

همان‌طور که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز به این امر توجه شده است، آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه‌ی فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید. بنابراین جا دارد که نظام آموزش کشورهای مختلف و همچنین آموزش و پرورش کشور خودمان نیز در این راستا توجه بیشتری به مباحث شهروند جهانی نماید و ضمن تقویت هویت اسلامی- ایرانی دانش‌آموزان، آنان را برای مشارکت فعالانه و مسئولانه در عرصه‌ی جهانی آماده و مجهز نماید. همچنین باید توجه داشت که علاوه بر نظام آموزش و

پرورش رسمی همان‌طور که برونر (2001) مطرح می‌کند، توجه به یادگیری مادام‌العمر برای همه‌ی شهروندان به عنوان یک استراتژی اساسی مدنظر سیاستگذاران و مسئولین دیگر سازمان‌ها که آموزش به‌عنوان بخشی یا تمامی مأموریت و اهداف آن‌ها می‌باشد (از قبیل سازمان شهرداری و ...) قرار گیرد، چرا که فقر و بحران هویت برای جوان ایرانی و به دنبال آن جذب شدن به فرهنگ جهانی‌سازی بیگانگان، دو نکته‌ای اساسی است که ضرورت توجه به آموزش‌های جهانی و تربیت شهروند جهانی را نمایان می‌کند. بنابراین ضروری است که دستگاه‌های متولی آموزش در کشور به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش توجه بیشتری به این نوع آموزش‌ها نماید تا کودکان و جوانان، ضمن توجه و احترام به ارزش‌های دینی و ملی حاکم بر کشور، نگاه وسیع‌تر و کلان‌تری به مسائل جهانی داشته باشند و به عبارتی خصوصیات یک شهروند جهانی که در این مقاله به آن پرداخته شده را داشته باشند.

بنابراین در نهایت پیشنهاد می‌شود با توجه به متون ارزشمند اسلامی و جایگاه والایی که در آن برای انسان و ارزش‌های انسانی برشمرد شده است و همچنین با توجه به فرهنگ و تمدن غنی ایرانی، مرکزی تحت عنوان «مرکز آموزش شهروندی جهانی» تأسیس و با همکاری نهادهای آموزشی به‌ویژه آموزش و پرورش به معرفی، آموزش و تربیت شهروند جهانی با توصیفی که در این مقاله از آن ارائه شد، پرداخته شود و به این طریق به سیاست «نه موضع انفعالی و نه موضع انزواجویانه، بلکه مشارکت فعالانه» جامعه‌ی عمل پوشاند و نقش و سهم شایسته‌ی خود در مدیریت مشترک جهانی را ایفا کند.

فهرست منابع

- رابرتسون، رونالد (1380)، "جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی"، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- سجادی، سیدمهدی (1382)، "جهانی شدن و پیامدهای چالش‌برانگیز آن برای تعلیم و تربیت"، فصلنامه‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی (دانشگاه شهید چمران اهواز)، دوره 3، سال دهم، شماره 3 و 4، 113-128.
- شکوری، علی (1389)، "آموزش و جهانی شدن"، برگ فرهنگ، شماره 21، 63-76.
- فتحی واجارگاه، کورش و واحدچوکنده، سکینه (1385)، "شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارایه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره 17، 93-132.
- قائدی، یحیی (1385)، "تربیت شهروند آینده"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، پاییز 1385، شماره 17، سال پنجم.
- لطف‌آبادی، حسین (1385)، "آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره 17.
- نش، کیت (1380)، "جهانی شدن، سیاست و قدرت"، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- واترز، مالکوم (1379)، "جهانی شدن"، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- هاشمی، سهیلا (1388)، "تحلیل محتوای کتاب‌های درسی متوسطه و پیش‌دانشگاهی رشته علوم انسانی بر اساس مؤلفه‌ی آموزش صلح"، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال چهارم، شماره 15، 83-104.

Andrews, R. and A. Mycock (2007), "Citizenship Education in the UK: Divergence within a Multi-national State", *Citizenship Teaching and Learning*, Vol.3, No.1, 73-88.

Bonk, Curtis J. (2009) *The World is Open: How Web Technology is Revolutionizing Education*. San Francisco: Jossey-Bass.

Brunner, J. J. (2000). *Globalization and the Future of Education: Trends, Challenges and Strategies*. Meeting in Santiago, Chile. August 23-25

Ching Ho. Li. (2009). "Global Multicultural Citizenship Education: A Singapore Experience". *The Social Studies*. November/December.

Coghburn, D. I. (2003). *Globalization, Knowledge, Education and Training in the Information Age*. Available: www.unesco.org

Handrix, J.C. (1998). *Globalizing the Curriculum*. *Proquest education journals*. The clearinghouse: May/June 1998:71, 5.305.

http://www.ltscotland.org.uk/Images/DGCprinciples2_tcm4-633067.doc

http://www.oxfam.org.uk/education/gc/what_and_why/what

